

رئیس بهزیستی در گفت و گوی تفصیلی با فارس: کودک فقیر و بی خانواده امروز، اعدای ۲۰ سال آینده است

خبرگزاری فارس: رئیس سازمان بهزیستی معتقد است بی توجهی به توسعه اجتماعی در کنار توسعه اقتصادی به خصوص در مورد فقرا و حاشیه نشینان، هر روز بر دایره آسیبهای اجتماعی می افزاید و در این میان کودکانی در خانواده‌های از هم پاشیده و فقیر به دنیا می آیند و بی آنکه گناهی داشته باشند، آلوده می شوند .

ابوالحسن فقیه، جوان ۳۴ ساله‌ای که در دولت نهم سکان سازمان بهزیستی کشور را بر عهده گرفته است، در گفت و گوی مفصل با خبرنگار اجتماعی فارس، از ساختار نامناسب برای کنترل آسیبهای اجتماعی و نبود متولی مشخص بر آن گفت و برخورد فیزیکی با این پدیده را مانند تیغ دولبه‌ای دانست که باید با ظرافت و برنامه‌ریزی کلان و ملاحظات همه جانبه انجام شود، با این حال رئیس سازمان بهزیستی کشور معتقد است اگر به مناطق آسیب خیز کشور و آموزش اصولی مردم توجه کنیم خیلی از مشکلات قابل حل است به شرط آنکه مسئولان ارشد کشور به توسعه اجتماعی به موازات توسعه اقتصادی اعتقاد داشته باشند .

*آقای دکتر، تعریف شما از آسیب اجتماعی چیست؟

-آسیب اجتماعی هر نوع رفتاری است که با ارزشهای شناخته شده جامعه در تعارض باشد و باعث اختلال در کارکرد فرد، خانواده یا جامعه بشود. این در حقیقت یک تعریف علمی از آسیب اجتماعی است .

ببینید، ما یک پدیده اجتماعی داریم، یک مشکل اجتماعی داریم و یک آسیب اجتماعی داریم، اینها معمولا با هم خلط می شوند به همین خاطر وقتی در مورد آسیب اجتماعی بحث می کنیم، کار خیلی بزرگ به نظر می رسد، پدیده و مسئله اجتماعی هم گاهی آسیب اجتماعی تلقی می شود به عنوان مثال جمعیت جوان کشور ما یک پدیده اجتماعی است، بیکاری جوانان یک مشکل اجتماعی است ولی هنوز آسیب نیست اما اگر این بیکاری منجر به اعتیاد جوان بشود آن وقت با آسیب اجتماعی رو به رو هستیم، این مسیر نشان می دهد که آسیب اجتماعی زمانی است که کارکرد فرد دچار اختلال شود و دوم اینکه هنجارهای اجتماعی شکسته شود .

*حالا با این تعریف، مصادیق آسیبهای اجتماعی در جامعه کدامها هستند؟

-همه مصادیق آسیبهای اجتماعی در بهزیستی احصا شده است، حالا ممکن است همه آنها در خاطر نباشد اما طلاق، زنان روسپی، دختران فراری و به طور کلی فرار از منزل، بی خانمانی، تکدی، کودکان خیابانی، خشونتهای خانوادگی، خودکشی، کودک آزاری و اعتیاد جزو آسیبهای اجتماعی هستند .

*در مورد کدام یک از آسیبها آمار دارید و در مورد کدامها آماری وجود ندارد؟

-بعضی آسیبهای اجتماعی آمار کاملا دقیقی دارند چون کاملا ثبت می شوند مثل طلاق که دقیقا آمار آن مشخص است و به جز موارد انگشت شماری که چون ازدواج ثبت نشده طلاق هم ثبت نمی شود، تقریبا ۱۰۰ درصد آمار آن وجود دارد یا خودکشی که آمار دقیق آن را پزشکی قانونی دارد حالا ممکن است به دلایلی آمار آن را ارائه نکنند، ولی کاملا آمار آن موجود است چون من خودم قبلا در پزشکی قانونی بودم و می دانم که دقیقا آمار خودکشی ها ثبت می شود .

بعضی از آسیبهای اجتماعی به خاطر مسائل فرهنگی که در جامعه ما وجود دارد، قابل دسترسی ۱۰۰ درصد نیستند، مثل همسر آزاری یا کلا خشونت خانوادگی که شامل کودک آزاری، همسر آزاری و سالمند آزاری می شود چون معمولا کسی این جور مسائل را به جایی اعلام نمی کند، مثلا هیچ وقت زنی که از دست همسر بیکار معتاد و لگرددش مرتبا کتک می خورد، جرئت نمی کند (یا به

خاطر حفظ زندگی و فرزندانش) به جایی شکایت کند چون ممکن است به او بگویند که به آخر خط رسیده‌اید و دچار مشکلات بیشتری شود.

در این موارد با روشهای آماری می‌شود، تعداد افراد درگیر را تخمین زد و به آمار نزدیک به واقع دست یافت ولی حتی اگر سرشماری هم بکنیم نمی‌توانیم در این موارد به آمار دقیق برسیم چون ممکن است یک زن کتک خورده به آمارگر نگوید که شوهرش مرتبا او را کتک می‌زند و واقعا همه جواب نمی‌دهند.

دسته دیگری از آمارها هستند که نه مثل طلاق و خودکشی به صورت دقیق و ۱۰۰ درصد مشخص می‌شوند و نه مثل این دسته هستند که تخمینی باشند بلکه با روشهای آماری و نمونه گیری می‌توانیم به آمار نسبتا واقعی دست پیدا کنیم، مثل دختران فراری، چون این دختران بالاخره پس از اینکه از خانواده دور می‌شوند، موضوع به کلانتری، بهزیستی یا جاهای مشابه گزارش می‌شود و خانواده مجبور است موضوع را اطلاع دهد.

در این موارد در بهزیستی کارهای مطالعاتی زیادی انجام شده است، به عنوان مثال آمار دختران فراری سال ۸۲ را داریم که ۳/۹۹ فرار در ۱۰۰ هزار جمعیت است، در مورد بقیه آسیبها هم چنین تحقیقاتی انجام شده است.

به طور کلی دو دسته آمار در بهزیستی داریم یک دسته آمارهایی که در بهزیستی تحقیق کرده‌ایم و به دست آورده‌ایم و دسته دیگر آمار عملکرد ماست که مربوط به آسیب دیدگانی است که به ما مراجعه کرده‌اند که با آمار واقعی در سطح جامعه متفاوت است زیرا ما ادعا نمی‌کنیم همه آسیب دیدگان اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهیم.

در نهایت با همه این تفاسیر ما در بحث آمار هنوز مشکل داریم به دلیل اینکه تعریف ما در کشور از آسیب اجتماعی درست نیست و نیز به خاطر اینکه نهادهای مسئول و کسانی که در این زمینه دخالت دارند زیاد هستند و هر کدام آمار متفاوتی را اعلام می‌کنند.

*مثل آمار اعتیاد؟

-بله مثال بارز آمارهای متفاوت دستگاهها، آمار معتادان است در مورد آمار معتادان در ایران، وزارت بهداشت، نیروی انتظامی، ستاد مبارزه با مواد مخدر و بهزیستی هر کدام یک آمار را اعلام می‌کنند. این تفاوت به همان علت است که قبلا در مورد آمارهای تخمینی گفتیم، هیچ کس نمی‌گوید پسر من معتاد است، اکثر معتادان اعتیاد خود را انکار می‌کنند، طرف کاملا گیج است و قیافه‌اش کاملا نشان می‌دهد که معتاد است اما اگر از او بپرسی، اعتیادش را منکر می‌شود.

پدیده غالب در بین معتادان، انکار است به همین علت ما در مراکز درمان اعتیاد، اولین کاری که می‌کنیم این است فرد معتاد بپذیرد که اعتیاد دارد زیرا تا زمانی که قبول نکند هیچ تلاشی برای ترک نمی‌کند.

*متولی اعلام آمار آسیبهای اجتماعی کجاست؟

-اعلام آمار آسیبهای اجتماعی مشکلی را حل نمی‌کند، بقیه کارها را چه کسی باید انجام دهد، تا زمانی که ساختار آسیبهای اجتماعی را از اول و درست نچینیم مشکل حل نمی‌شود، نه اینکه صورت مسئله را پاک کنیم و نه اینکه قصه را حاد و بحرانی جلوه دهیم. اگر ساختار کنترل آسیبهای اجتماعی درست شود مشکل آمار هم حل می‌شود.

*اگر بخواهیم ساختار کنترل آسیبهای اجتماعی را از اول بچینیم چگونه باید بچینیم؟

-ببینید، برای این کار با چند مسئله رو به رو هستیم، اول اینکه باید به تعریف و مفهوم مشترکی از آسیبهای اجتماعی در بین دستگاه‌های مختلف برسیم، دوم اینکه مثل هر کار دیگری آسیبهای اجتماعی باید یک متولی مشخص داشته باشد و البته متولی با اختیارات قانونی و با همکاری نهادهای دیگر، مثلا در مورد آموزش، دستگاه متولی در کشور وزارت آموزش و پرورش است، ممکن است در این مورد دستگاههای دیگر هم اقداماتی را انجام دهند، آنها همکار هستند، متولی یک دستگاه مشخص است.

الان در مورد آسیبهای اجتماعی هیچ دستگاهی متولی نیست. ممکن است در مورد برخی از آسیبهای اجتماعی، مصوبه‌ای در دولت باشد که مثلا سازمان بهزیستی را متولی اعلام کرده باشد ولی این در مورد کل آسیبهای اجتماعی نیست، تعداد متولیان زیاد شده و در نتیجه هیچکدام از این دستگاهها متولی نیستند، ارتباط این دستگاهها با هم نیز تعریف شده نیست و شورای اجتماعی کشور نیز که برای هماهنگی و مرتبط کردن دستگاههای مختلف بود نتوانسته، ماموریت خود را انجام دهد.

دستگاههای مسئول مثل دانه‌های تسبیح جدا از هم هستند و نخ تسبیح وجود ندارد، همه دانه‌های تسبیح هم به اندازه هم برای خودشان نقش قائلند. در صورتی که باید یک دستگاه مثلا سازمان بهزیستی متولی آسیبهای اجتماعی باشد و بقیه دستگاهها همکار متولی اصلی باشند. کمیته امداد، وزارت کشور، شهرداری و هر کدام از دستگاههای مرتبط باید در این زمینه کمک کنند و سازمان بهزیستی طرح ارائه کند، مسئولیت اصلی باید با سازمان بهزیستی باشد و بقیه نهادها همکاری کنند. الان این طور نیست و به همین خاطر در مورد آسیبهای اجتماعی پاسخگویی هم وجود ندارد و هر کس توپ را توی زمین دیگری می‌اندازد. هیچ کس به تنهایی نمی‌تواند آسیبهای اجتماعی را کنترل کند حتی اگر نهاد ریاست جمهوری متولی آسیبهای اجتماعی شود بدون تعریف نهادهای همکار به نتیجه نمی‌رسیم .

*یعنی یک جایی مثل ستاد مبارزه با مواد مخدر برای آسیبهای اجتماعی هم تعریف شود؟

نه، آن یک ستاد کلان سیاستگذار است، ما در مورد آسیبهای اجتماعی نیازمند کار صفی و اجرایی هستیم نه فقط سیاستگذاری البته به نظر من این ستاد، ساختار کارآمدی ندارد، سالی یکی، دو، جلسه برگزار می‌کند ولی خیلی کارآمد نیست. دبیرخانه‌اش کارهای خوبی انجام داده است، اما اینکه بگوئیم ستاد مبارزه با مواد مخدر خیلی کار عملی در سطح کشور انجام داده است این طور نیست، ما برای آسیبهای اجتماعی یک نهاد عملیاتی می‌خواهیم .

مسائل اجتماعی مسائل کلانی هستند که اول ما باید تکلیفمان را با این مسائل روشن کنیم، نگاه و رویکرد ما اول باید نسبت به مسائل اجتماعی تغییر کند تا بعد برسیم به اینکه با آسیبهای اجتماعی که زیر شاخه آن است چه برخوردی داشته باشیم .

ببینید ما در کشور ستاد مبارزه با مواد مخدر داریم که رئیس آن رئیس جمهور است، اعتماد یکی از آسیبهای اجتماعی است یعنی یکی از آسیبهای اجتماعی، ستادی به ریاست رئیس جمهوری دارد، خیلی خوب است ولی خود آسیبهای اجتماعی هیچ متولی مشخصی ندارد یا مثلا فرهنگ که جزئی از اجتماع است، اجتماع یک حوزه گسترده است که فرهنگ زیر مجموعه آن است .

ما برای امور فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی داریم که اعضای آن با حکم مقام معظم رهبری انتخاب می‌شوند، یعنی بالاترین حد اختیارات را دارند ولی اجتماع و مسائل اجتماعی که شمول بسیار گسترده‌ای دارد، شورای اجتماعی کشور را در زیر مجموعه وزارت کشور دارد، ببینید چقدر سطح کار فرق می‌کند، بنابراین اول باید این نگاه را اصلاح کنیم و حداقل یک شورایی در حد شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مسائل اجتماعی باید داشته باشیم، مثلا می‌تواند یک شورایی به نام شورای عالی اجتماعی و فرهنگی تشکیل شود که به ریاست رئیس جمهور و با حکم مقام معظم رهبری فعالیت کند تا بتواند با قدرت نفوذ، سیاستگذاری و اجرا مسائل اجتماعی کشور را ساماندهی کند اما هنوز چنین تشکیلاتی نداریم در حالی که ایجاد شورای عالی اجتماعی و فرهنگی باید زمانی انجام می‌شد که مقام معظم رهبری مسئله تهاجم فرهنگی را مطرح کرد .

شورای اجتماعی کشور اگر واقعا قدرت داشت یک مقدار منسجم‌تر دستگاهها را هماهنگ می‌کرد اما چون دستگاههای اجرایی در این شورا خودشان را هم‌تراز می‌بینند، وزارت رفاه، وزارت ارشاد، عضو این شورا هستند و این شورا نمی‌تواند بر این دستگاهها قدرت نفوذ داشته باشد بنابراین این شورا باید ارتقای موقعیت داشته باشد بعد از اصلاح ساختار باید مسائل اجتماعی را واقعا مهم ببینیم در این صورت متولی اجرایی هم مشخص می‌شود و ابزار و اعتبارات کافی هم برای ساماندهی اختصاص پیدا می‌کند، ببینید با ۶ میلیارد تومان در سال برای بهزیستی که نمی‌شود جلوی آسیبهای اجتماعی را گرفت، بودجه، امکانات و ابزار قانونی کار را بدهند. سایر دستگاههای درگیر هم به وظایف قانونی‌شان عمل کنند. این پایه کار می‌شود، آن وقت می‌توانیم در مورد مسائل دیگر مثل آمار، راهکارها و بقیه مسائل گفت و گو کنیم .

*در دولت، چه در گذشته و چه اکنون آیا تلاشی برای اصلاح این ساختار نشده است؟

من که ندیده‌ام، در مورد اینکه در این سطح کلان در مورد مسائل اجتماعی بحث شود من ندیده‌ام، شاید مباحثی وجود داشته باشد که من بی‌خبرم .

*در خود بهزیستی چطور، آیا اقدامی برای رسیدگی بهتر به آسیبهای اجتماعی شده است؟

ما در بهزیستی داریم روی طرح جامع کنترل آسیبه‌های اجتماعی کار می‌کنیم، خودمان احساس می‌کنیم که این یک وظیفه بر زمین مانده است چون در حد شعار همه می‌گوییم آسیبه‌های اجتماعی مهم است. ولی وقتی که مسئولیت پیدا می‌کنیم و وارد عرصه عمل می‌شویم خیلی با هم هماهنگ نیستیم و کاری نمی‌کنیم .

*تدوین طرح جامع کنترل آسیبه‌های اجتماعی از کی شروع شده و الان در چه مرحله‌ای است؟

-فکر کنم، چند ماهی می‌شود .

*ولی از دوره گذشته خبرهایی در مورد تدوین این طرح داشتیم؟

-بله از گذشته شروع شده و ما الان داریم پیگیری می‌کنیم، این طرح در حال عملیاتی شدن است و به زودی نهایی می‌شود. این طرح را برای این تدوین کرده‌ایم که اگر یک روزی به ما گفتند شما مسئول آسیبه‌های اجتماعی هستید، همه چیز آماده باشد ما الان در سازمان بهزیستی ۴ برنامه و ۴۹ طرح در مورد آسیبه‌های اجتماعی داریم .

*آیا این طرح برای کل آسیبه‌های اجتماعی است حتی مواردی مثل کودکان کار که الان در حوزه مسئولیت بهزیستی نیست را هم شامل می‌شود؟

-بله، این طرحها برای کل آسیبه‌های اجتماعی تدوین شده است، مثلا در مورد کودکان کار که شما گفتید دولت یک آئین‌نامه‌ای تدوین کرده ولی اول ما باید یک طرح اصلی برای رسیدگی به این مسئله داشته باشیم، بعد آئین‌نامه‌ها در ذیل آن تصویب شود. وقتی ساختار اصلی و طرحهای اساسی نباشد در اجرا هم ناموزون کار می‌کنیم .

طرح جامع کنترل آسیبه‌های اجتماعی در سازمان بهزیستی و توسط دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی این سازمان در حال تدوین است اما برای اینکه این طرح از پشتوانه اجرایی قوی‌تری برخوردار باشد آن را به تصویب وزارت رفاه در می‌آوریم، بعد مراحل بعدی را در سطوح بالاتر برای تصویب نهایی طی می‌کند .

*آیا این طرح جامع امسال عملی می‌شود؟

-این طرح ما امسال نهایی می‌شود ولی برای اجرایی شدن آن حتما باید یک مرجع تصمیم‌گیرنده سطح بالا آن را تصویب کند، ممکن است این مرجع دولت باشد، ممکن است لازم باشد در مجلس تصویب شود در غیر این صورت مثل هر طرح دیگری می‌ماند و خاک می‌خورد .

*آیا دستگاههای دیگری مثل وزارت کشور که آنها هم خودشان را متولی آسیبه‌های اجتماعی می‌دانند، مشغول تدوین طرحهای مشابه‌ای برای کنترل آسیبه‌های اجتماعی نیستند؟

-نه، نه، ممکن است خیلی مختصر و پراکنده کارهایی نیز انجام شود، ما هم اگر طرحهایی در جاهای مختلف نوشته شده باشد آن را جمع‌آوری کرده‌ایم و در تدوین طرح جامع از استفاده کردیم، طرح جامع کنترل آسیبه‌های اجتماعی تا به حال در جایی تدوین نشده است، اگر بود که ارائه می‌کردند، اگر هم طرحی بوده مقطعی و موضوعی بوده است. مثلا در مورد کارتن‌خوابها که در وزارت رفاه طرحی برای کارتن‌خوابها نوشتند، تعاریف و اهداف را مشخص کردند در زمستان گذشته هم این طرح اجرا شد ولی این طرح فقط محدود به کارتن‌خوابها بود .

*رویکرد کلی در طرح جامع کنترل آسیبه‌های اجتماعی چیست؟

-ببینید، در این طرح ۴ هدف اصلی تعیین شده است، ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی؛ پیشگیری از آسیبه‌های اجتماعی؛ مداخله برای کاهش و کنترل آسیبه‌های اجتماعی و بازتوانی آسیبه‌های اجتماعی و فراهم کردن، زمینه بازگشت آسیب دیدگان به

جامعه، دو کار اول مربوط به کل جامعه است و دو هدف آخر خاص افرادی است که دچار آسیب شده‌اند تا برای بازگشت آنها به زندگی سالم اقدام شود. هر کدام از این ۴ هدف یکسری برنامه‌ها و اقدامات مفصل را می‌طلبد .

*در این طرح برای سازمانها و دستگاههای دیگر هم وظایفی تعیین شده است؟

-ما در این طرح مشخص نکرده‌ایم که چه کسی باید این کارها را انجام دهد، ما فقط برنامه را می‌نویسیم، بعد باید مراجع بالاتر در مورد مجری آن، اعتبار و امکانات لازم برای اجرای آن تصمیم بگیرند .

*حالا خود شما به عنوان رئیس سازمان بهزیستی کشور، وضعیت کدام یک آسیبهای اجتماعی را در کشور بحرانی تر می‌بیند، رسیدگی به کدام آسیب اجتماعی از نظر شما فوریت بیشتری دارد؟

-به اعتقاد من، جمعیت جوان کشور ما و موج انفجار جمعیت جوان کشور و مسائلی که پشت سر این جمعیت می‌آید مثل بحث ازدواج، بیکاری و مسکن آنها خیلی مهم است ولی هنوز خیلی با مسئله حاد و فزونی در جامعه روبه‌رو نیستیم، به جز اعتیاد که خیلی رو به گسترش است و آمارهای خوبی نداریم در مورد سایر مسائل به خاطر زیر ساختهای مذهبی و فرهنگی با مشکل حادی مواجه نیستیم، شاید اگر این مسائل در یک کشور سکولار بود وضعیت به مراتب خیلی بدتر بود .

*وضعیت اعتیاد در ایران چگونه است، بحرانی است؟

-نه، اعتیاد را یک بحران نمی‌دانم ولی در مرز بحران است و آمار نگران کننده‌ای دارد به همین خاطر الان یک دغدغه برای مسئولان است و خوشبختانه همه به دنبال راه حل برای این مسئله هستند و اگر همین حساسیتی که الان برای اعتیاد به وجود آمده برای سایر آسیبهای اجتماعی هم به وجود آید، می‌توانیم با پیشگیری به موقع از گسترش آنها در آینده جلوگیری کنیم و گرنه با این ساختار ناکارآمد و در اولویت نبودن این مسائل برای مسئولان، وضعیت سایر آسیبهها هم نگران کننده می‌شود .

*اشاره کردید به اهمیت مسئله اعتیاد در کشور، اگر با همین وضع گسترش اعتیاد و با همین ساختار ناکارآمد ادامه دهیم، آینده اعتیاد در ایران چگونه خواهد بود؟

-با این وضع، اعتیاد رو به فزونی دارد ولی به نظر من چون الان اعتیاد به دغدغه مسئولان ارشد کشور مبدل شده و حتی در مجمع تشخیص مصلحت نظام که بالاترین مرجع قانونگذاری کشور است، خیلی دقیق و مفصل در مورد آن بحث می‌شود و سیاستهای کلان مبارزه با مواد مخدر به صورت یک سند بسیار پیشرفته تدوین شده است، الان روند رشد اعتیاد رو به تغییر است .

*آمار بهزیستی در مورد معتادان و رشد اعتیاد در کشور چقدر است؟

-ببینید در مورد آمار معتادان و همه آمارها باید آمار دستگاه متولی را بپذیریم، در مورد اعتیاد هم دستگاه متولی ستاد مبارزه با مواد مخدر است، همه در این زمینه اطلاعات می‌دهند، مثل وزارت بهداشت و جاهای دیگر، آمار ستاد ۲ میلیون معتاد را سطح در کشور اعلام کرده است که یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر آنها معتاد دائمی هستند و بقیه تفننی هستند .

*شما خودتان این آمار را می‌پذیرید؟

-ما هم یک پژوهش در مورد تعداد معتادان انجام داده‌ایم که تقریباً به آمار ستاد مبارزه با مواد مخدر خیلی نزدیک است .

*آمار ۸۰۰ هزار معتاد تفننی به نظر شما واقعی است؟

-معتاد تفننی به نظرم باید بالاتر باشد، ما خودمان یک کار آماری در این مورد داشته‌ایم که به زودی منتشر می‌شود .

*در مورد بقیه آسیبهها مثلاً طلاق آمار چقدر است؟

-رشد طلاق در جامعه ما حدود ۱۰ درصد است، بررسی که از سال ۷۵ تا ۸۲ نشده است نشان می‌دهد که رشد طلاق سالانه حدود ۱۰ درصد است .

*از بحث آمار خارج شویم، شما ریشه آسیبهای اجتماعی را در چه می‌دانید؟

نمی‌توان یک عامل را به عنوان ریشه آسیبهای اجتماعی نام برد، باید موضوع آسیبهای اجتماعی باز شود و عوامل مختلفی که می‌تواند باعث بروز آسیبهای اجتماعی شود را باید بررسی کنیم، چون این مسائل تک فاکتوری نیستند و عوامل بسیار متعدد و در هم تنیده‌ای دارند که مثل یک سیکل زنجیروار پشت سر هم قرار دارند .

عوامل زیادی را می‌توان نام برد مثل فقر، ولی این یک عامل همیشگی نیست زیرا بسیاری از آسیبهای اجتماعی مثل طلاق، اعتیاد و فرار از خانه در خانواده‌های ثروتمند هم دیده می‌شود و شاید اگر آسیبهای اجتماعی در میان ثروتمندان بیشتر از فقرا نباشد، کمتر هم نیست .

مشکلات خانوادگی و حتی خود طلاق یکی از عوامل آسیبهای اجتماعی است، اعتیاد که خودش یک آسیب اجتماعی است می‌تواند عامل یک آسیب اجتماعی دیگر مثل طلاق یا مثلاً فرار دختر از خانه و روسپی‌گری باشد، پیشینه آسیبهای اجتماعی همه به هم ربط دارند و پشت سر هم یکدیگر را به وجود می‌آورند .

بعضی آسیبها ممکن است یک اختلال روانی شخصی باشد مثل خودکشی که یک مسئله فردی است. چون ممکن است بعضی افراد بدترین مشکلات را هم داشته باشند ولی هیچوقت سراغ خودکشی نروند اما یک نفر ممکن است با اولین مشکل سراغ خودکشی برود .

عامل دیگری که می‌تواند به عنوان عامل برای بروز آسیبهای اجتماعی مطرح باشد، کم‌رنگ شدن نقش تربیتی خانواده است که خودش ممکن است دلایل دیگری داشته باشد مثلاً به علت مشکلات مالی پدر باید دو شیفت کار کند، مادر هم باید برود سر کار، اصالت وقت تربیت کردن فرزند را ندارند و نمی‌دانند با فرزندانشان چه کار کنند به این ترتیب نقش تربیتی خانواده کم شده است، فرزند چنین خانواده‌ای در مدرسه، در اجتماع، پای ماهواره و جاهای دیگر تربیت می‌شود و این زمینه بروز آسیب را فراهم می‌کند، نه اینکه مستقیماً باعث آسیب شود البته ما خانواده‌های از هم پاشیده‌ای هم داریم که عملاً به آنها توصیه می‌کنیم فرزندانشان را به مهد کودک بفرستند ولی در کل وقتی نقش تربیتی خانواده کم شود زمینه بروز آسیب بیشتر می‌شود .

*حالا در چنین شرایط پیچیده‌ای که آسیبهای اجتماعی به عوامل مختلف بستگی دارند، چگونه می‌توان این پدیده را در جامعه کنترل کرد؟

-مهمترین بحث برای کنترل آسیبها، آموزش مهارت‌های زندگی به همه مردم است تا قبل از برنامه سوم هر وقت در مورد آسیبهای اجتماعی بحث می‌شد به سمت گرفتن و دستگیر کردن آسیب دیده و برخورد قهری با او پیش می‌رفتیم اما از برنامه سوم توسعه به این طرف کم‌کم موضوع پیشگیری از آسیبهای اجتماعی و آموزش آحاد مردم مطرح شد .

*آیا برخورد قهری با آسیب دیدگان اجتماعی و ناهنجاریها مفید بود؟

-ببینید، این یک مسئله ظریف است، ما نمی‌توانیم با ناهنجاریهای اجتماعی و افرادی که هنجارها را در جامعه می‌شکنند، هیچ برخوردی نکنیم بالاخره مردم باید در محیط اجتماعی هنجارهای جامعه را رعایت کنند و من اصلاً موافق این نیستیم که جامعه باز باشد و هر کس هر کاری خواست بکند ولی مسئله مهم این است که به جای اینکه برخورد قهری در جامعه اصل باشد، به تربیت در خانواده توجه کنیم، اگر پایه و اساس برنامه‌ها را ترتیب درست فرزندان در خانواده می‌گذاشتیم. خیلی از مسائل اصلاً به وجود نمی‌آمد. تقویت اعتقادات دینی از زمان کودکی، تقویت نقش تربیتی خانواده، آموزش مهارت زندگی و مقاومت در برابر ناهنجاری را باید به کودکانمان بیاموزیم

ببینید ما در عصر تکنولوژی زندگی می‌کنیم و واقعا نمی‌توانیم پیشرفتهای تکنولوژیکی و واقعتهای ناشی از آن را انکار کنیم، اینها وجود دارند و در شکل‌گیری شخصیت نسل نو نقش دارند ولی ما به جای اینکه در مورد این واقعتهای برخورد مناسب داشته باشیم از همین حال دستهایمان را بالا گرفته‌ایم و تسلیمیم .

بنابراین برای جبران این مسئله کمک کنیم که خانواده‌های پایداری داشته باشیم چون آسیبهای اجتماعی در خانواده‌های ناپایدار به مراتب بیشتر از خانواده‌های پایدار است. در خانواده‌ای که پدر و مادر با هم کشمکش دارند، طلاق می‌گیرند، و دختر هم از خانواده فراری می‌شوند و هزار جور مسئله برای این بچه‌ها به وجود می‌آید. مشکلات و آسیبها بیشتر است، اسلام هم به همین علت به بنیان خانواده خیلی توجه دارد .

با آموزش مهارت‌های زندگی به بچه‌ها از سنین کودکی می‌توانیم، زمینه‌ای را فراهم بیاوریم که حتی اگر کودکی در معرض برنامه‌هایی قرار گیرد که بدآموزی دارد اصلا به سراغ آن نرود. چون می‌فهمد که قرار گرفتن در این مسیر، قبل از همه به خود او آسیب می‌رساند به این ترتیب شیوه درست زندگی را فرزند و خانواده در پیش خواهد گرفت ولی ما متاسفانه در این زمینه کار زیادی نکرده‌ایم .

اگر بتوانیم معنویت را وارد فضای خانواده کنیم خیلی مشکلات حل می‌شود، معنویت فقط این نیست که اجرای احکام شریعت اسلام را از خانواده‌ها بخواهیم چون ممکن است یک خانواده ایرانی مسیحی یا به هر حال غیر مسلمان باشد، منظور از معنویت آموزش صداقت و پرهیزگاری و بالا رفتن سطح آگاهی است که مصونیت ایجاد می‌کند. وقتی سطح آگاهی بالا رفت دیگر استفاده از تکنولوژیهای جدید یا ابزارهای جدید زندگی عامل فساد نمی‌شود و هر چیز در جای خودش قرار می‌گیرد اما متاسفانه چون برای ارتقای سطح آگاهی جوانان کم کار کرده‌ایم، جوانان ما در برابر تهاجم فرهنگی و تکنولوژی‌هایی که بدآموزی هم دارند اثرپذیری بالایی دارند .

*چه باید کرد؟

بینید ما اگر بخواهیم بر اساس اسلام زندگی کنیم ظرفیتهای زیادی داریم که اگر به آنها توجه کنیم خیلی از مسائل حل می‌شود و در خود قرآن هم خداوند از پیامبر خواسته است که حلال خدا را بر خود حرام نکند. ما ظرفیتهایی در دین اسلام داریم که الان قفل شده‌اند و از آنها استفاده نمی‌شود مثلا ازدواج موقت یک ظرفیت است که اگر مورد توجه قرار گیرد بخشی از مشکل را حل می‌کند، نمی‌گوییم همه مسائل حل می‌شود اما بالاخره موثر است و حداقل از افتادن جوانان مذهبی در ورطه آسیب پیشگیری می‌کند، چون که ما نمی‌توانیم برای همه اقشار جامعه یک نسخه واحد بپیچیم برای هر قشری یک راهکار خاص وجود دارد .

ظرفیتهای دیگری هم در اسلام داریم که الان معطل مانده است مثلا در قرآن آمده زن یائسه که آرایش و خودنمایی نکند حجاب بر او واجب نیست. اما اگر این مسئله را ما در جامعه مطرح کنیم مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد .
بنابراین اگر دولت برای مقابله با آسیبهای اجتماعی به آموزش تقوا و پرهیزگاری و فرهنگ سازی ریشه‌ای برای بازگشت به فطرت انسانی و استفاده از ظرفیتهای شرعی توجه کند خیلی نتایج بهتری می‌گیرد .

علاوه بر آموزش مهارت‌های زندگی و افزایش نقش تربیتی خانواده‌ها، استفاده از ظرفیتهای شرعی برای ازدواج نیز یکی دیگر از راهکارهای مهم است که برای این کار از طرف بهزیستی با چند مرکز تحقیقاتی در قم قرار است در قالب طرح پژوهشی به بررسی وضعیت مسائل اجتماعی در زمان پیامبر بپردازیم چون واقعا نمی‌دانیم در آن زمان پیامبر با آسیبهای اجتماعی چگونه برخورد می‌کرد ممکن است یکسری اطلاعات کلی داشته باشیم ولی اطلاعات ما در این مورد اندک است فقط می‌دانیم که آسیبهای اجتماعی حتی در زمان پیامبر هم صفر نبوده و امیدواریم در آخر زمان که حضرت ولی عصر (عج) ظهور می‌کند آسیبهای اجتماعی به صفر برسد .

*طرح تحقیقاتی شما دقیقا چیست؟

می‌خواهیم بدانیم که پیامبر خدا با مثلا یک زن روسپی چه برخوردی داشته است، حدیثی داریم که یاران پیامبر، ایشان را دیدند که از خانه یک زن بد نام بیرون می‌آید، با تعجب از او پرسیدند، شما چطور اینجائید، حضرت فرمود شما نباید منتظر بمانید که فردی که محتاج کمک است به سمت شما بیاید، وقتی می‌بینید کسی کمک می‌خواهد بعضی وقتها لازم است که ما به سراغ او برویم .

این یک نکته تربیتی است، یعنی ما برویم مداخله در بحران کنیم، ما باید این الگوهای اسلامی را به دست آوریم و توسل کنیم به الگوهای اسلامی چون معتقدیم اسلام کاملترین دین است و راجع به همه چیز برنامه دارد. آن برنامه‌ها را باید با مسائل زمان خودمان منطبق کنیم، به همین خاطر ما این مسئله را به صورت یک طرح در سازمان بهزیستی پیگیری می‌کنیم که بدانیم برخورد

پیامبر با آسیبهای اجتماعی چگونه بوده است یا مثل آن حدیثی که از حضرت امام صادق نقل است که در خانه‌ای بزن و بکوب بود، از حضرت پرسیدند اهل این خانه بنده است یا آزاد، حضرت فرمود حتما بنده است اگر آزاد بود که این صداها بلند نمی‌شد. امثال این احادیث زیاد است، به همین خاطر به عنوان یک کار پژوهشی رایزنی‌هایی با چند مرکز تحقیقات اسلامی در حوزه علمیه قم شروع کرده‌ایم خواسته‌هایمان را با آنها مطرح کرده‌ایم تا ظرفیتهای بر زمین مانده اسلام را در مورد آسیبهای اجتماعی پیدا کنیم تا از این ظرفیتهای استفاده عملی کنیم آنها را امروزی کنیم و بدانیم بر اساس اسلام چگونه باید با جوانان رفتار کنیم.

* شما در سازمان بهزیستی معاونت پژوهشی ندارید، چه بخشی از این سازمان این موضوع را پیگیری می‌کند؟

_ ما معاونت پژوهشی نداریم، دانشگاه علوم بهزیستی را داریم که آنجا معاونت پژوهشی دارد و ما کارهای پژوهشی را توسط این دانشگاه انجام می‌دهیم. آنجا ما ۱۶۰ نفر هیئت علمی داریم که ظرفیت خیلی خوبی است و شورای پژوهشی دانشگاه را داریم که دبیرش، رئیس دانشگاه است کارهای تحقیقاتی آنجا با حضور نماینده سازمان مدیریت تصویب می‌شود و پس از تخصیص بودجه کار انجام می‌شود.

* به بحث خودمان برگردیم، چگونه می‌توانیم آسیبهای اجتماعی را در جامعه کنترل کنیم؟

- همان طور که گفتیم اگر دستگاههای متولی در امور مختلف کار خودشان را درست انجام دهند، خیلی از مشکلات و آسیبهای اجتماعی اساسا به وجود نمی‌آید اگر دستگاههایی که متولی اشتغال هستند، کارشان را درست انجام دهند، بخش مهمی از آسیبهای اجتماعی کم می‌شود مسائل ازدواج اگر تسهیل شود باز هم میزان آسیبها کمتر می‌شود، هر دو این مسائل هم ابعاد اقتصادی دارند و هم ابعاد فرهنگی که باید به موازات هم مورد توجه باشند.

اگر اشتغال بالا رود طلاق کم شود و زمینه بروز بسیاری از آسیبها خود به خود بر طرف می‌شود. آموزش و پرورش اگر کار خودش را درست انجام دهد به خصوص در حوزه مسائل پرورشی، تا حد زیادی در کاهش آسیبهای اجتماعی موثر است درحالی که مسائل تربیتی و پرورشی در نظام آموزشی ما که ۱۴ میلیون جوان و نوجوان را تحت پوشش دارد مغفول است.

مسئله دیگر حاشیه نشینی است که یکی از علل مهم رشد آسیبها در جامعه است عده زیادی از روستائیان به خاطر نبود امکانات به حاشیه شهرهای بزرگ می‌آیند، محل تجمع آنها یکی از مکانهای مهم ایجاد آسیبهای اجتماعی است.

باید خدمات رفاهی را مثل شهرها در روستاها هم ایجاد کنیم تا روند مهاجرت معکوس شود، فرد روستایی وقتی که آب آشامیدنی سالم ندارد، امکانات ورزشی و تفریحی و فرهنگی ندارد و از طرفی می‌بیند همه امکانات در شهر هست هیچ چاره‌ای ندارد که به شهر بیاید اما چون پول کافی ندارد، در حاشیه شهر ساکن می‌شود و متاسفانه بسیاری از کودکان کار، کودکان خیابانی، دختران فراری، زنان خیابانی، از همین حاشیه‌ها هستند.

* شما آماری دارد که نشان دهد چند درصد آسیب دیده‌ها از حاشیه نشینها هستند؟

_ ما فقط آمار مراکز خودمان را داریم و می‌دانیم که چند درصد آنها از مهاجران و حاشیه نشینها هستند، آمار دقیقش الان خاطریم نیست ولی قطعاً آمار قابل توجهی است.

* خوب؟

-بله، مسئله دیگر محلات آسیب خیز هستند که تعداد آنها متاسفانه کم نیست. در مورد این محلات نباید روش ما حذف صورت مسئله باشد بلکه باید به سمت ساماندهی این محلات برویم.

* یعنی چه کار کنیم؟

_ یعنی محلات آسیب خیز که بیشتر در حاشیه شهرها هستند اول باید به درستی شناسایی شوند و بعد باید خدمات مناسب بگیرند. در محله‌ای که آسفالت ندارد، آب ندارد، برق ندارد و در آنجا مدرسه نیست، جزو محدوده شهر نیست و واقعا هیچی ندارد ما هم هیچ مشروعیت و هیچ حقی به آنها نمی‌دهیم چگونه می‌توانیم جلوی فعالیتهای غیرقانونی و خلاف اهالی آن را بگیریم.

مدارسی که در این مناطق حاشیه‌ای هستند اکثراً بسیار شلوغند و متأسفانه ضعیفترین معلمها هم به این مدارس تبعید می‌شوند همه این مسائل مثل یک سیکل معیوب است به همین خاطر خلاف و بزهکاری روز به روز در این مناطق گسترده‌تر می‌شود، ضعیفترین پزشکان دوره طرحشان را در این محلات حاشیه‌ای و پر آسیب سپری می‌کنند یعنی ما نازلترین خدمات را به این مناطق می‌دهیم بعد انتظار داریم بچه‌های آنها، شیک و مرتب باشد، سراغ اعتیاد و فحشا و هیچ کار خلافی نروند و زنان این محلات تن فروشی نکنند .

ما باید این محلات را شناسایی کنیم و خدمات دولتی را به این مناطق ببریم نباید این محلات را پاکسازی کنیم، چون آسیب دیدگان و خلافکاران آن به صدها جای دیگر پخش می‌شوند. خود ما به عنوان بهزیستی برنامه داریم که خدماتمان را مثل مهد کودکها و خدمات مشاوره‌ای به این مناطق ببریم و واقعا معتقدیم نباید صورت مسئله را پاک کنیم بلکه به جای آن دولت باید برای زنی که با ۶ تا بچه در این محله‌ها زندگی می‌کند و شوهرش هم در زندان است برنامه ریزی داشته باشد .

*منظور شما از ساماندهی این است که باید خدمات دولتی به این مناطق برود، درست است؟

*منظور از ساماندهی این است که آسیبها را در این مناطق شناسایی کنیم مثلاً افراد معتاد را شناسایی کنیم و بعد برای کاهش آسیب آنها وارد عمل شویم، اگر نمی‌توانیم از اعتیاد معتاد تزریقی جلوگیری کنیم به او سرنگ بدهیم تا حداقل ایدز نگیرد، همان کاری که در DIC ها یا همان مراکز درمان گذری اعتیاد انجام می‌دهیم و اگر زمینه ترک اعتیاد دارد به او متادون بدهیم با رفته رفته ترک کند، اگر زن روسپی است و نمی‌توانیم جلوی او را بگیریم باید رفتار سالم جنسی را یاد بگیرد .

*غیر از کاهش آسیب چه کار می‌توانیم بکنیم؟

_مرحله بعد این است که آسیب دیدگان را توانمند کنیم، باید تا می‌توانیم شغل ایجاد کنیم، جوانان علاف را آموزش دهیم به آنها شغل و حرفه بیاموزیم، بعد کمک کنیم که اشتغال پایدار پیدا کنند، وام بدهیم، شرکت تعاونی درست کنیم، وقتی پدر خانواده شغل مناسب نداشته باشد، بچه چشم باز می‌کند و می‌بیند، پدر قاچاقچی است، مادر قاچاقچی است، برادر قاچاقچی و معتاد است، آن یکی توی زندان است. شما اگر این محلات را از نزدیک ببینید به راحتی می‌توانید بفهمید که یک کودک ۸ ساله امروز در این محلات حتما اعدامی ۲۰ سال آینده است. باید همه دستگاہها دست به دست هم بدهیم و به این مناطق برسیم .

*چرا خدمات دولتی به قدر کافی به این مناطق نرفته است؟

_مشکلات زیاد است یک بخش مسائل قانونی است مثلاً می‌گویند این منطقه خارج از محدوده است و کسی حق ساخت و ساز ندارد ساختمانهای موجود هم باید خراب شوند بنابراین طرح جامعی هم برای ساماندهی این مناطق هیچ وقت تدوین نمی‌شود .

*نظر شما در مورد ایجاد شبکه سراسری خدمات اجتماعی چیست؟

_این جزو برنامه‌های ماست، درست مثل شبکه بهداشت که مثلاً بهورز در روستا اطلاعات سلامت و بیماری همه مردم را دارد و اطلاعات حیاتی همه مردم مشخص است، ما هم باید اطلاعات اجتماعی همه مردم را داشته باشیم. باید بدانیم چه کسی از خانه فرار کرد، کی معتاد شد. چه کسی دچار آسیب شد، برای کی کار ایجاد شد، کجاها خدمات اجتماعی اجرا شده و کجا خدمات دولتی اجتماعی نیست اما الان چون متولی مشخص نیست، کسی که دچار آسیب می‌شود، نمی‌داند چه کار باید بکند، کسی که مثلاً دخترش از خانه فرار کرده و دچار آسیب شده و برگشته چه کار می‌تواند بکند، به کجا باید مراجعه کند .

*خوب چه کار باید بکنیم؟

_ببینید، در حوزه اجتماعی هر چقدر سرمایه‌گذاری کنیم جواب می‌دهد، هر چقدر برنامه داشته باشیم باز هم کم است اما مشکل آنجاست که نباید توقع داشته باشیم زود به جواب برسیم مثلاً در ایلام خودسوزی دختران خیلی بالا بود یک عده‌ای به خاطر همین خودکشی‌ها می‌مردند، یک عده‌ای هم زنده می‌ماندند اما با قیافه‌های وحشتناک، اما آنجا کار شد، بهزیستی و ارگانهای

دیگر وارد شدند و کار کردند، کم کم آمار خودسوزی در ایلام کم شد، در محله‌های آسیب‌خیز هم آنجاها می‌که شروع کرده‌ایم، داریم جواب می‌گیریم .

*کجاها؟

_ تهران، لرستان، سیستان و بلوچستان، مازندران در پنج، شش محله در استانهای مختلف برنامه‌های ما برای محلات آسیب‌خیز در حال اجراست و واقعا وضع این محلات قبل و بعد از اجرای این برنامه‌ها خیلی فرق می‌کند .

*آیا نقشه آسیبهای اجتماعی کشور وجود دارد؟

_ نقشه که نه به آن صورت، ولی ۳۲۰ نقطه آسیب‌خیز کشور شناسایی شده است که البته هنوز این طرح کامل نشده است قرار است همه این نقاط آسیب‌پذیر در کشور به درستی تعیین شود و بعد ما امسال ساماندهی حداقل یک محله را در هر استان شروع می‌کنیم که تقریبا یک دهم کل مناطق را پوشش می‌دهد واقعا در بسیاری از محلات به قدری مشکل هست که واقعا نمی‌دانیم چه کار باید بکنیم ما با مناطقی رو به هستیم که هیچ بچه‌ای به مدرسه نمی‌رود چون مدرسه‌ای وجود ندارد و وقتی دولت برای ساخت مدرسه در آن منطقه اقدام کرد، معلوم شد هیچ کس از مردم آن منطقه اصلا شناسنامه ندارند .

*ببخشید، در مورد راه حلها می‌گفتید؟

-ببینید غیر از اعتیاد که فرد معتاد به خاطر لذت و سرخوشی ناشی از مصرف مواد مخدر به سمت آن می‌رود، در مورد بقیه آسیبها فرد از روی بدبختی و ناچاری گرفتار می‌شود، از خانه فرار می‌کند؛ طلاق می‌گیرد یا تن فروشی می‌کند مثلا اگر دختری از خانه فرار می‌کند از همان اول قصد تن فروشی ندارد اما بعدا بدون اینکه خودش بخواهد به این راه کشیده می‌شود. در مورد این آسیبهای اجتماعی که عنصر لذت نیست، بهتر می‌توان وارد عمل شد و اقدامات مداخله‌ای جواب می‌دهد برای همین است که می‌گوییم سرمایه‌گذاری در حوزه مسائل اجتماعی جواب می‌دهد .

*پس چرا سرمایه‌گذاری هایی که تاکنون انجام شده، نتیجه نداده است؟

_ یکی از دلایل آن این است که به توسعه همه جانبه توجه نداریم، وقتی به توسعه اقتصادی توجه می‌کنیم، توسعه اجتماعی را فراموش می‌کنیم، توسعه اگر تک بعدی باشد آسیب به همراه دارد باید همزمان به همه ابعاد توسعه توجه کنیم، وقتی ۱۰۰ میلیارد تومان در جایی سرمایه‌گذاری می‌کنیم باید دو میلیارد تومان هم برای مسائل اجتماعی آن در نظر بگیریم و گرنه بعدا هزینه جمع کردن آسیبهای اجتماعی آن خیلی بیشتر می‌شود، نمونه بارز آن عسویه است که در آن به رغم سرمایه‌گذاری‌های وسیع اقتصادی در گذشته مسائل اجتماعی مغفول مانده است و بیداد می‌کند .

آسیبهای اجتماعی در عسویه الان باری برای این دولت است و دولت فعلی باید پیامد غفلت دولتهای فعلی را در این زمینه پردازد اگر این دولت هم غفلت کند واقعا اوضاع خیلی بدتر می‌شود. وزارت نفت یکسری جوان مجرد را جمع کرده است و در کمپهایی که هیچ امکاناتی ندارد زندگی می‌کنند. بیش از ۱۰۰ هزار کارگر آنجا وجود دارد، پیشرفت اقتصادی این منطقه یکی از افتخارات نظام است اما ادامه بی توجهی به مسائل اجتماعی در این منطقه می‌تواند در آینده تبدیل به بحران شود .
جوانی که صبح تا ظهر در عسویه کار می‌کند بقیه اوقاتش را چگونه باید بگذرانند، نه امکانات ورزشی و تفریحی دارد نه خانواده‌اش آنجا هستند، این جوان چکار باید بکند جز اینکه به سمت کارهای خلاف برود .

*حالا فرض کنیم برنامه‌های توسعه اجتماعی کشور را داشته باشیم آیا شما برای اجرای وظایفی که به بهزیستی مربوط می‌شود، نیروی متخصص کافی در اختیار دارید؟

*نه متاسفانه، کل مددکاران اجتماعی که تاکنون در ایران تربیت شده‌اند، ۳ هزار نفر هستند چطور می‌توان با ۳ هزار نفر متخصص، آسیبهای اجتماعی را کنترل کرد و از بروز آسیب اجتماعی در جمعیت ۷۰ میلیون نفری پیشگیری کرد با همین تعداد کم هم ما برای جذب بسیاری از این متخصصان مشکل داریم و نمی‌توانیم آنها را استخدام کنیم .

کمبود نیروی متخصص مددکار اجتماعی باعث شده به جای اینکه هر مددکار اجتماعی متخصص در بهزیستی روزانه به ۱۵ نفر مشاوره بدهد اگر سایر افراد غیرمتخصص را در نظر بگیریم سهم هر مددکار اجتماعی روزانه ۴۵۰ نفر می‌شود البته ما تلاش کرده‌ایم با استفاده از سایر تخصصها و حتی نیروهای دیپلمه این کمبود را جبران کنیم ولی واقعا با این وضعیت کیفیت خدمات ما مطلوب نیست زیرا یک جوان دیپلمه چگونه می‌تواند به یک دختر لیسانسه شهری فراری از خانه مشاوره بدهد .

*سطح علمی خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی ما چگونه است؟

_این هم خودش یک مسئله است، چون ما در زمینه آسیبهای اجتماعی در کشور مطالعه عمیق خیلی کم داریم حتی می‌توانیم بگوییم تولید علم در این زمینه در کشور در حد صفر است حتی یک همایش علمی واقعا اثرگذار در زمینه آسیبهای اجتماعی در کشور نداشته ایم تازه در حال برنامه‌ریزی هستیم که از سال آینده یک همایش علمی و اصولی در این زمینه برگزار کنیم .

*چرا رسیدگی به آسیبهای اجتماعی اولویت مسئولان ارشد کشور نیست؟

_یکی از علل مهم آن این است که به محض مطرح شدن بحث آسیبهای اجتماعی، این مسئله آغشته به مسائل سیاسی می‌شود هر طرف آن را بگیری یکی از احزاب و گروه‌ها در برابر آن موضع می‌گیرد، مسئولان می‌بینند تا وارد این حوزه بشوند و می‌خواهند کاری کنند، یکی اعتراض می‌کند بنابراین فرد مسئول هم با خودش می‌گوید ما که این همه مشکل داریم مسئله آسیبهای اجتماعی بماند برای اولویت آخر و اصلا صورت مسئله را پاک می‌کند خواهش من به عنوان مسئول یکی از دستگاههای حمایتی کشور این است که مسئولان، مسائل اجتماعی را ابزار کار سیاسی نکنند و اگر می‌خواهند از کسی انتقاد کنند از مسائل اجتماعی استفاده نکنند .

گفت و گو از: افشین شاعری

انتهای پیام /

_سرمايه- ۸۵/۰۶/۲۶

صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد:

زندگی ۵ میلیون ایرانی با درآمد روزانه کم‌تر از ۲ دلار

بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد که ۱/۵ میلیون ایرانی با حداقل درآمد یعنی یک دلار در روز زندگی می‌کنند و پنج میلیون ایرانی (۷/۳۳ درصد جمعیت کشور) هم با کم‌تر از دو دلار در روز روزگار سپری می‌کنند. این در حالی است که صندوق بین‌المللی پول دیگر نهاد معتبر بین‌المللی نیز اعلام کرده است: «درآمد سرانه هر ایرانی به سه میلیون و ۱۶۸ هزار تومان در سال رسیده و به خاطر افزایش قیمت نفت بالا رفته و به ۳۴۶۶۵ دلار رسیده که نسبت به سال ۲۰۰۵ بیش از ۶۷۰ هزار تومان افزایش یافته و در سال ۲۰۰۷ به سه میلیون و ۷۲۴ هزار تومان معادل ۴۰۷۳ دلار میرسد.» در گزارش دیگری از بانک جهانی نیز آمده است: «ایران سی‌امین اقتصاد بزرگ جهان است و با ۵/۸ درصد رشد اقتصادی و ۱۹۶ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در بین ۳۰ کشور ثروتمند و صاحب درآمد جهان قرار دارد.» اما با این حال پنج میلیون فقیر با روزی دو دلار و ۱/۵ میلیون نفر هم با فقر شدید زیر یک دلار زندگی می‌کنند. خط فقر برای جامعه شهری ایران توسط کارشناسان ماهی ۲۵۰ هزار تومان اعلام شده است. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نیز خط فقر را برای خانوار ایرانی ۲۷۵ هزار تومان اعلام کرده است. در این شرایط فاصله طبقاتی تشدید شده و باوجود پرداخت سالانه ۴۰ میلیارد دلار یارانه، به علت عدم تخصیص بهینه منابع با اتلاف بسیار کمک‌های مالی و یارانه‌ها روبه‌رو هستیم. برخی کارشناسان اعلام کرده‌اند؛ ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقرند و چهار میلیون و ۲۰۰ هزار نفر آن‌ها تحت پوشش کمیته امداد و ۳۰۰ هزار نفر هم تحت پوشش بهزیستی قرار دارند. پنج میلیون و ۵۰۰ هزار نفر نیز تحت پوشش هیچ نهاد حمایتی نیستند. برخی کارشناسان تاکید دارند که دهک‌های هشتم، نهم و دهم یعنی ۳۰ درصد کشور زیر خط فقرند و فاصله طبقاتی در ایران نمایان شده است در همین حال به گفته وزیر اقتصاد اختلاف درآمد دهک پایین و بالای جامعه ۱۶ برابر است در حالی که این رقم در ژاپن ۴/۵ است. برخی گزارش‌های بین‌المللی نیز حاکی از آن است که ۸۰ درصد ثروت جامعه در اختیار ۲۰ درصد مردم است. باوجودی که یارانه پرداختی به اقشار محروم ایران از ۶۰ میلیارد تومان به ۳۶۰ میلیارد تومان رسیده و شش برابر شده اما تاکنون در هدفمند کردن یارانه انرژی که بخش عمده یارانه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و مبلغ آن ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار است موفقیتی حاصل نشده و اتلاف منابع همچنان ادامه دارد. بانک جهانی در گذشته نیز گزارش داده بود که ۵۰ درصد کل مصرف و درآمد ایران به دو دهک بالای درآمدی جامعه تعلق دارد.